

ارزیابی نظرات حفظ ارزش پول در بانکداری اسلامی جناب آقای حسین حشمتی مولایی

عضو هیات علمی موسسه بانکداری ایران

مقدمه

چگونگی حفظ ارزش پول بدون اینکه روش پیشنهادی مغایرتی با احکام اسلامی و یا آراء مشهور فقهی داشته باشد، یکی از مباحث بانکداری اسلامی تلقی می‌گردد. تاکید اخیر مقام معظم رهبری در رابطه با ضرورت پژوهش بر روی این مسئله چه از نظر عدالت اجتماعی و چه از نظر ارتباط مستقیم آن با مسأله تورم (۱) از نکات بسیار مهم پولی و بانکی در وضعیت حاضر است که مسئولیت دستگاههای پژوهشی را در پاسخگویی بدین معضل اجتماعی سنگین تر می‌سازد.

«... امروز خیلی از مسائل وجود دارد که فقه باید تکلیف اینها را معلوم کند ولی معلوم نکرده است. فقه توانائی دارد لیکن روال کار طوری بوده که فاضل محقق کارآمد به این قضیه نپرداخته است. مثل قضیه پول. اصلاً پول چیست؟ بحث ارزش پول در هنگام تورمهای سرسام‌آور و سنگین - نه آن تورمی که به طور قهری در حرکت عمومی هر جامعه وجود دارد و موجب رشد است - چه می‌شود؟ بدون تورم، جامه به رکود خواهد انجامید. آن موارد را نمی‌گوئیم، منظور این تورمهای بیست و سی و پنجاه درصدی و تورمهای سه رقمی است که از این هفته تا آن هفته از ارزش پول کم می‌شود. در این حالتها قضیه پول چه می‌شود؟ بدهکاریهای پولی و قرضهایی که از هم می‌گیریم چه می‌شود؟ اگر شش ماه پیش صد تومان از شما قرض گرفتیم و حالا می‌خواهیم بدهیم آیا آن صد تومان با صد تومان حالا فرق دارد؟ بالاخره تکلیف این مسئله در فقه باید روشن شود» (۱).

به همین دلیل به نظر می‌رسد که علاوه بر دلایل اقتصادی و ارتکاز عقلی، ادله شرعی نیز همان گونه که بعداً خواهیم گفت جبران کاهش ارزش پول قرض دهنده را البته با قبول شرایط خاصی مورد تاکید قرار می‌دهد.

از یک طرف، طبق قاعده کلی «لاضرر» نمی‌توان ناظر کاهش مرتب ارزش پول برای قشری از اجتماع (سپرده‌گذاران) بود و از طرف دیگر با توجه به اینکه قشر دیگری با دریافت این منابع بلافاصله آن را تبدیل به کالاها و مواد اولیه می‌نمایند و با استفاده از وضعیت اقتصادی، مرتباً جامعه را به طرف سفته‌بازی سوق می‌دهند، نمی‌توان در مقابل کاهش نسبی سپرده‌گذاری و نهایتاً کاهش نسبی فعالیت‌های تولیدی و واقعی بی‌تفاوت بود.

علاوه بر این، اشاره مستقیم قرآن کریم در نهی از کاهش اشیاء ارزشمند مردم (که به تعبیری شامل کالاها، خدمات و پول می‌گردد) (۲) می‌توان دلایلی قوی در این رابطه ارائه نمود. بنابراین مطالعه و پژوهش در رابطه با شیوه‌های اجرائی، ابزارهای لازم و نظرات ارائه شده توسط اقتصاددانان، فقها و سایر صاحب‌نظران اسلامی در مورد شیوه‌های حفظ ارزش پول، بیش از پیش اهمیت می‌یابد.

تحقیق در منابع و آراء فقهی

در این بحث، می‌توان نظرات متفکرین و فقهاء اسلامی را ابتدا در رابطه با مبنای جبران کاهش ارزش پول مورد بررسی قرار داد.

همان گونه که می‌دانیم ارزش پول بر اساس مالیت اعتباری آن مشخص می‌گردد، و در این مورد بین پولی که در صدر اسلام معمول بوده، مثل طلا و نقره (نقدین) و پولی که امروزه دولتها به آن اعتبار می‌دهند. مثل اسکناس و مسکوک و... تفاوتی بنیانی وجود ندارد.

در واقع مسأله اصلی این است که آیا پول، یک «مال قیمی» است؟ و یا باید آنرا «مثلی» تلقی نمود. مسلماً نظر اکثر فقهای اسلامی مبنی بر مثلی بودن پول است و برای بانک که معمولاً مورد استفاده عموم مردم است، نمی‌توان آراء غیرمشهور را مبنا قرار داد.

نکته دیگری که در رابطه با آراء فقهی باید مورد پیگیری قرار گیرد این است که اگر اصل مثلی بودن را برای پول اعتباری پذیرفتیم، اکنون این مسأله باید مورد بررسی قرار گیرد که ضمان مثلیت پول آیا قدرت خرید پول و یا خود آن است؟

به عبارت دیگر، زمانی که پول قرض داده می‌شود، و پس از مدتی مورد استرداد قرار می‌گیرد، آیا ملاک مورد استرداد، قیمت «یوم‌الاقراض» است و یا قیمت «مثلی». در این حال نیز رأی مشهور دلالت بر این دارد که مبنا، قیمت مثلی است (۳).

البته در صورتی که هنگام قرض، شروط دیگری در نظر گرفته شود می‌توان با استناد به نظر اکثر فقهاء، مثل شهید آیت... محمدباقر صدر، تابعیت ضمان را نسبت به قرارداد مورد پذیرش قرار

داد(۴). ولی چنین راهی نیاز به بررسی جداگانه و شناخت دقیقی از بازتابهایی خواهد داشت که تعادل اقتصاد کلان را تحت تأثیر قرار می دهد.

تحقیق در رابطه با آراء اقتصاددانان اسلامی

درباره آراء اقتصاددانان اسلامی، همان گونه که می دانیم با توجه به مکاتب مختلف فکری، نمی توان یک رویه بخصوص را ارائه نمود. بنابراین شاید بتوان این آراء اقتصادی را در رابطه با روشهای ارائه شده توسط متفکرین اقتصاد اسلامی به طریق زیر طبقه بندی نمود:

۱- نظریه مبتنی بر جبران هزینه های دفتری

شاید بتوان گفت ساده ترین برخورد برای حل ضرورت های اعتباری که مانع شرعی هم نداشته باشد اعطاء وام و اعتبار بدون دریافت هیچگونه پاداش مادی است، به طوری که بسیاری از متفکرین بانکداری اسلامی با استناد به اینکه پول دارای ارزش ذخیره ای نیست این راه حل را تنها راه حل ممکن تلقی می نمایند.

از نظر این دسته از متفکرین بانکداری اسلامی، پول با توجه به اینکه ذاتاً بی ارزش می باشد، تنها دارای ارزش مبادلاتی است و بنابراین پس انداز کننده نباید انتظار هیچگونه پاداش اضافی را دریافت نماید.

انور اقبال قرشی (۵) در کتاب اسلام و نظریه بهره می نویسد: «من شخصاً فکر می کنم آنچه علاوه بر پس اندازهایمان در بانکها به ما تعلق می گیرد، همان بهره می باشد... تمام بانکهای فعلی می توانند در حکومت اسلامی با دو تغییر زیر اجازه فعالیت داشته باشند:

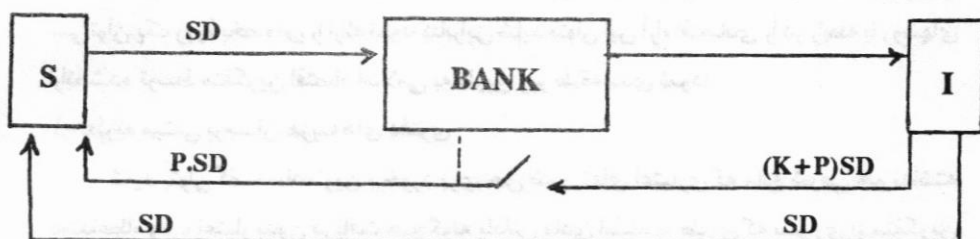
اول - به سپرده گذاران خود هیچ بهره نپردازند.

دوم - بانکها از مشتریان خود هیچگونه بهره ای دریافت ننمایند» (۵) و سپس انور اقبال قرشی متفکر معروف بانکداری اسلامی ناگزیر می گردد که هزینه های اداری و پرسنلی بانکی را که به صورت فوق ترسیم نموده است به عهده دولت گذاشته و در عین حال، آگاهانه یا ناخودآگاه یک جریان دولت گرایی را دنبال نمایند.

«چطور بانکها بدون دریافت کارمزد و هزینه می توانند در مقابل خدماتی که انجام می دهند به کار خود ادامه دهند... هزینه های اداری کارمندان بانکها چه خواهد شد، هزینه های اداری کارمندان بیمارستانها و سازمانهای عام المنفعه از کجا تأمین می شود؟... چرا نباید هزینه های خدمات و نگهداری بانکها و کارمندانش به عهده دولت واگذار گردد؟» (۵)

به نظر می رسد اکثر کسانی که مالیت پول را نفی می نمایند و بر اساس آموزه های سنتی ارزش

ذخیره‌های آنرا نادیده می‌انگارند راهی جز نزدیک شدن به یک اقتصاد سوسیالیستی نخواهند داشت. البته در این مورد برخی راه کارهای محدود برای جبران کاهش ارزش پول را نباید نادیده گرفت، به طوری که در حدی معین و زمینه‌های محدودی با ایجاد یا تاکید بر متغیرهای کیفی (P) سپرده‌گذاران (S) خاصی را برای دریافت پاداشهای کیفی راضی نمود تا بتوانند در سرمایه‌گذاریهای خیرخواهانه یا عام‌المنفعه شرکت نمایند.



در نمودار فوق P.SD نوعی پاداش کیفی - احتمالی است که بر اساس میزان سپرده قرض‌الحسنه (SD) و سرمایه‌گذاری ناشی از آن (I) پس از کسر کارمزد بانک (K)، می‌تواند، به نحوی سپرده‌گذاران را برای سپرده‌گذاری ترغیب نماید، لیکن باید توجه داشت که مطالعات اقتصادسنجی این موضوع را ثابت نموده که این ابزار، کارآئی قابل ملاحظه‌ای نخواهد داشت (یکی از فروض طرح مقدماتی).

بنابراین یکی از مسائلی که در این مطالعه مورد بررسی قرار خواهد گرفت میزان رضایتی است که سپرده‌گذاران قرض‌الحسنه در بانکهای کشور، در مقابل دریافت جوایز و یا توجه به مصارف این نوع ذخائر بانکی از خود نشان داده‌اند و این که چگونه می‌توان این ابزار کیفی را مورد توسعه و تنوع قرار داد.

۲- نظریه مبتنی بر تعادل منابع استقراضی

برخی دیگر از متفکرین با نفی تحریم بهره بانکی می‌کوشند که مفهوم بهره را از ربا جدا ساخته و به این ترتیب با جبران کاهش ارزش پول از طریق بهره بانکی، عرضه منابع قابل استقراض را برای سرمایه‌گذاریهای واقعی متعادل سازند.

به نظر می‌رسد بین متفکرین اسلامی نخستین کسی که بهره را علاوه بر جبران کننده پاداش مورد انتظار عرضه کننده پول، عامل تنزیل و مشخصه ارزیابی طرحها، معرفی می‌نماید، «صابر ف الجنره»^۱ است. وی در مقاله‌ای چنین می‌نویسد (۶).

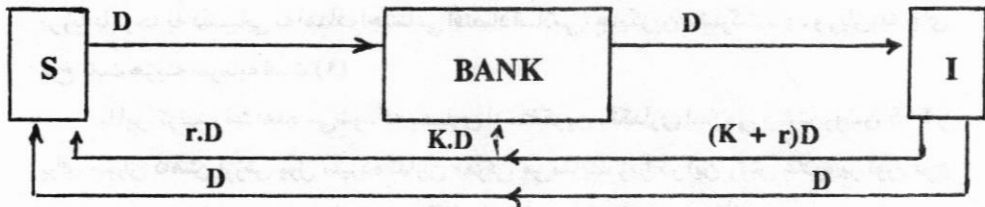
«بهره علاوه بر نقش ساده‌ای که به عنوان پاداش به وام دهنده دارد، در واقع عامل مهمی برای ارزیابی طرحهای سرمایه‌گذاری است و به این ترتیب در تعیین ساختار عمومی سرمایه‌گذاری و تولید

نقش قابل ملاحظه‌ای را ایفا می‌نماید (۶).

علاوه بر «الجنر» مسأله فوق‌الذکر مورد تائید «انس زرقاء»^۱ نیز قرار گرفته به طوری که وی در کتابی تحت عنوان «سیاست مالی و تخصیص منابع در اسلام» استدلال می‌نماید که تنزیل جریان وجوه نقدی قابل پیش‌بینی طرحها، باعث افزایش کارآئی در سرمایه‌گذاری می‌گردد و این مسأله از نظر اسلامی نیز کاملاً قابل قبول است (۷).

طبق این نظریات، با توجه به مصالح نظام اقتصاد اسلامی و رشد مطلوب آن، می‌توان نرخ سود، یا کارفرما و یا بهره را از قبل به نحوی که بتواند حداکثر منابع را فراهم سازد و رضایت سپرده‌گذار را حداکثر نماید، از قبل تعیین و تعهد نمود.

در این نظریه منابع سپرده‌گذار (D) در اختیار بانک قرار گرفته و بانک با دریافت سود یا بهره از سرمایه‌گذار پس از کسر کارمزد خود K ، مابقی را $(r - D) + (D)$ به سپرده‌گذار مسترد می‌نماید:



در این روش عملاً همان نظام ربوی عهده‌دار تعادل بخشی بین عرضه و تقاضای منابع قابل استقراض می‌باشد، با این توجه که نام بهره تحت عنوان «حق‌العمل»، «کارمزد» و یا «سود بانکی» تعویض و با توجه به مصالح اقتصادی جواز شرعی آن ممکن فرض می‌گردد.

این روش اگرچه نمی‌تواند در کلیه موارد قابل اعمال باشد لیکن به نحوی بانک قادر خواهد بود کاهش ارزش پول سپرده‌گذار را جبران نماید، زیرا سرمایه‌گذار قادر است علاوه بر نرخ تورم، بازده مثبتی را به بانک مسترد نماید.

این روش در برخی از عقود اسلامی قابل اعمال است، لکن لازم است که میزان کارآئی و تأثیر بخش آن دقیقاً مورد بررسی قرار گیرد. آنچه مسلم است نمی‌توان از این طریق کل سیستم بانکی را مورد پوشش قرار داد.

۳- نظریه اشتراکی جبران کاهش ارزش پول

با توجه به تشابه بسیار زیادی که بین معاملات ربوی و معاملات مبتنی بر بیع وجود دارد، بسیاری از متفکرین بانکداری اسلامی با مقابله شدید نسبت به روش ارائه شده با اتکاء بر معاملات

مبتنی بر بیع، راه حل سودی را بر مبنای مشارکت سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران در سود و زیان یا (PLS)^۱ پیشنهاد نموده‌اند.

برای بعضی از متفکرین بانکداری اسلامی، گرایش به روش PLS به قدری زیاد است که حتی برخی از عقود اسلامی را در حد حرام تلقی می‌نمایند. محمد نجات‌الله صدیقی می‌نویسد:

«... به طور کلی من ترجیح می‌دهم که بیع‌المؤجل از فهرست روشهای بانکی تجویز شده حذف گردد، حتی اگر مجوز آنرا در شکل حقوقی، تأیید نمایم، لکن قاعده‌ای حقوقی داریم که هرچه منجر به حرام شود، خود حرام است. توصیه می‌گردد این قاعده در این مورد به کار گرفته شود تا بتوان بانکداری بدون بهره را از تحریف درونی نجات داد.» (۸)

دکتر ضیاء‌الدین احمد در مقاله‌ای با تأیید نظر صدیقی، اظهار می‌نماید:

«تذکر این نکته لازم است که عمده‌ترین امتیاز بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری مبنی بر ربا، با توجه به دستیابی به اهداف اجتماعی اقتصاد اسلامی، جایگزین مشارکت سود و زیان، به جای نرخ ثابت هزینه سرمایه است.» (۹)

با این ترتیب مشاهده می‌شود که بسیاری از متفکرین بانکداری اسلامی بیشتر روشن PLS را برای جبران کاهش ارزش پول سپرده‌گذاران معرفی می‌نمایند زیرا در این روش علاوه بر تورم نرخ بازدهی نیز به میزان معین می‌تواند سپرده‌گذار را در وضعیت مطلوب تری قرار دهد.

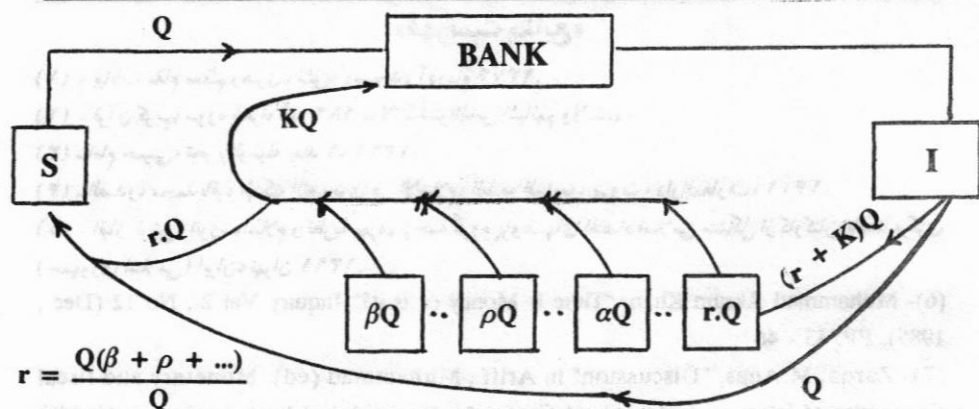
۴- نظریه مبتنی بر اعتدال منابع تسهیلاتی

در این نظریه جبران کاهش ارزش پول بستگی به توافقی دارد که تهیه‌کنندگان و مصرف‌کنندگان تسهیلات مالی در وضعیت اعتدالی به آن دست می‌یابند.

بدیهی است نقش واسطه‌های مالی (بانکها و موسسات اعتباری) در این میان، ایجاد و تحول ابزارهایی است که همچنان وضعیت اعتدالی را بهینه نماید.

همانگونه که می‌دانیم، در اقتصاد غربی تعادل، منابع استقرایی به دنبال رسیدن به یک نقطه مطلق تعادلی حرکت می‌کرد ولی در این نظریه ما به دنبال یک پویایی هستیم و هرگز به یک نقطه بهینه مطلق نمی‌رسیم، بلکه وضعیت اعتدالی بین سپرده‌گذار و سرمایه‌گذار و رشد اقتصادی کل جامعه همواره باید مثبت باشد.

بنابراین جبران کاهش ارزش پول، نه از طریق یک متغیر واحد و مطلق مثل نرخ بهره یا نرخ سود قطعی، بلکه از طریق یک مجموعه ابزارهای مناسب، بهینه‌سازی می‌شود (۱۰).



بدیهی است هر یک از ابزارهای نرخ سود قطعی (r)، سهم سود (α) و... چنان تغییر خواهد یافت که اعتدال لازم بین سپرده گذار، سرمایه گذار و بانک صورت پذیر می‌نماید و در این حال به نظر می‌رسد که خود به خود کاهش ارزش پول نیز مورد جبران قرار گرفته است.

در این طرح روشنهائی پیشنهاد خواهد گردید که در چارچوب عقود اسلامی به طور خودکار، همواره نرخ سود علی‌الحساب $r = \frac{Q(r + d + \dots)}{Q}$ بیشتر از میزان تورم باشد.

خلاصه و نتیجه گیری

حفظ ارزش پول مسأله‌ای است که قانون (۱۱) و به تبع آن مردم از بانک مرکزی که مهم‌ترین مرجع پولی است طلب می‌نمایند. این نکته چه از نظر عدالت اجتماعی و چه از نظر ثبات اقتصادی یک هدف پراهمیت سیاسی و اقتصادی تلقی می‌شود.

حل مشکل به نظر می‌رسد که با دو شیوه قابل بررسی است:

اول: شیوه فقهی: یعنی تغییر دادن بنیانها و ضوابطی که جنبه هنجاری دارد و به سادگی قابل تغییر نیست، زیرا به سختی می‌توان موضوع حکم و به عبارت دیگر، ضمان مثلث پول را بر اساس قدرت خرید قرار داد، مگر اینکه شروطی را در جریان سپرده گذاری و یا اعطاء تسهیلات منظور کنیم و در آن صورت با مشکلاتی اقتصادی و بانکی غیرقابل پیش‌بینی مواجه خواهیم بود. در هر حال چنین شیوه‌ای قابل بررسی است ولی ممکن است در بلندمدت نتیجه بدهد.

دوم: شیوه اقتصادی، یعنی طبق روال معمول و سیاست‌گذاریهای اقتصادی و بانکی دنیای امروز، معلول را رها نموده و به دنبال علت باشیم.

به نظر حقیر، برای از بین بردن ربا نباید دوباره به بهره پناه ببریم و بنابراین آنچه می‌تواند اهمیت داشته باشد، دقت و کنترل و نظارت بیشتر در مدیریت و عملیات بانکی است.

«فهرست منابع»

- (۱) - بیانات مقام معظم رهبری، نشریه «مسجد» آذرماه ۱۳۷۴.
- (۲) - قرآن کریم، سوره شعرا، آیه ۱۸۳ «ولا یتخستوا الناس اشیائهم ولا.....»
- (۳) - امام خمینی، تحریر الوسیله جلد ۱، ۱۳۶۲.
- (۴) - الصدر، محمد باقر، البنك الله ربوی فی الاسلام، الطبعة السابعة، بیروت، دارالمعارف، ۱۴۰۱.
- (۵) - اقبال قرشی، انور، «اسلام و نظریه بهره» ترجمه گروه پژوهشهای اقتصاد اسلامی مشکل از کارکنان بانک مرکزی (جمهوری اسلامی) ایران، تهران، ۱۳۶۱.
- (6)- Muhammad Akram Khan, "Time is Money or is it?" Inquiry Val 2 , No 12 (Dec , 1985), PP. 43 - 46
- (7)- Zarqa, M.Anas, "Discussion" in Ariff , Muhammad (ed). Monetary and fiscal Economics of Islamic , International Center for Research in Islamic Economics (Jeddah , 1982).
- (8)- Siddiqi , Muhammad Nejatullah , Issues in Islamic Banking , P.139.
- (9)- Ahmad Ziauddin , "Islamic Banking at the Crossroads", Journal of Islamic Economics Vol 2 No 1 Jan. 1939, P.32.
- (۱۰) - حشمتی مولائی، حسین، بانکداری اسلامی، دانشنامه جهان اسلام (جزوه پنجم حرف ب)، انتشارات بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۷۳.